

## مواجهه با عیسی

### اولین شاگردان

( یوحنا ۱ : ۳۵ - ۴۶ )

هنگامی که عیسی خدمت خود را در بین مردم آغاز نمود، اولین اشخاص که ملاقات نمود گروهی بودند که بعید به نظر می رسید به او کمک و یاری رسانند .

اگر شما یک رئیس جمهور بودید چه کار می کردید ؟ خوب، واضح است ، شما با به کار گماشتن کابینه تان و دیگر دستیاران ارشد آغاز خواهید کرد و این کار را نیز با جستجو در پی یافتن بهترین افراد مستعد و نخبه در سطح کشور انجام خواهید داد. شما در دانشگاهها به دنبال بهترین نخبگان خواهید بود در ارتش و شرکتهای مهم و اصلی به دنبال رهبران کار آمد ، در پارلمان و کابینه دولت به دنبال سیاستمداران با هوش و با حکمت خواهید بود . شما گروهی از اشخاص با سوابق درخشان را که کوله باری از تجربه و موفقیتهای بارز را دارند گرد هم خواهید آورد . این همان کاریست که شما انجام خواهید داد . همان کاری که من انجام خواهم داد . تنها این راه ، راه معقول است .

اما این کاری نبود که عیسی انجام داد . عیسی به هنگامی که خدمتش را آغاز کرد ، تنها سه سال پیش رو داشت. سه سال تا شاگردان و تیم رهبریش را آماده ساخته ، آموزش داده و تجهیز کند . دوازده شاگرد عیسی در زمانی که عیسی دیگر در بین آنها نبود می بایست کار رهبری را آغاز نمایند . خدمت آنان این نبود که جنبش مسیحیت را حفظ کنند بلکه با رساندن پیام انجیل به اقصای عالم به طرز وسیعی آنرا گسترش دهند.

پس چگونه عیسی این دستیاران رده بالا را به کار گماشت ؟ او برای پر کردن کابینه خود به کجا رفت ، تا در آنجا سخنرانی کند؟ سخنرانی برای شورای عالی یهود؟ برای کاهن اعظم ؟ برای دانشگاهیانی که در آن زمان وجود داشتند؟

نه ، ظاهراً عیسی اولین پیروان خود را تقریباً به طور اتفاقی ملاقات کرد . عیسی شاگردانش را به هنگامی که مسیری را طی می کرد و یا به هنگام گذر از ساحل دریا یکی یکی یا دوتا دوتا به دور خود جمع می نمود ، در یک جا ماهیگیر را و در جای دیگر یک باجگیر را . شاگردانی که ما در صفحات عهد جدید می بینیم ، به طور حتم « بهترین و درخشانترین » و یا مهمترین و با نفوذترین اشخاص جامعه عیسی نبودند . بلکه برعکس ، آنها به مانند توده مردم بودند که نمی شد آنها را به طور خاص از دیگران متمایز ساخت . به نظر، این دوازده شاگرد به طور کلی چیز خاصی نداشتند . تقریباً چنین به نظر می رسد که عیسی تنها به ملاقات اشخاص عامی می رفت تا آنها کار ملکوتش را به انجام برسانند ، به عبارت دیگر ، او اشخاص را به مانند

من و شما انتخاب می کرد. مسأله مهم اینجاست که باید به خاطر سپرد. نیازی نیست که برای خدمت به عیسی مسیح مقام والایی داشته یا تحصیل کرده و یا عضو نخبگان جامعه خود باشید. حتی نیازی نیست که در ذات خود استعدادها و تواناییهای خاصی داشته باشید. تنها خصیصه لازم برای شاگرد مسیح شدن این است که به هنگامی که او شما را می خواند، بیایید و او را پیروی کنید. این آن چیزی است که یک شاگرد انجام می دهد.

### یک شاگرد عیسی را می شناسد.

ملاحظه فرمایید که چگونه انجیل یوحنا اولین ملاقاتها را بین مسیح و شاگردانش توصیف می کند. در اینجا مسیح را انجیل یوحنا نام متن یوحنا نگاهی می اندازیم، (انجیل یوحنا ۱: ۳۵-۴۶). (مرقس ۱: ۱۶-۲۰).  
از این داستان سه خصیصه برای یک شاگرد نمایان می شود. اگر شما می خواهید که عیسی مسیح را پیروی نمایید اولین چیزی که باید انجام دهید این است که بدانید او واقعاً مسیحا، فرزند خدا، بره خدا است. مسایل فراوانی وجود دارند که برای جلب توجه ما در رقابت هستند، دلبستگی های فراوانی که چشمانمان به دنبال آنها است. فرهنگ ما فرهنگی است که در آن رسانه ها حرف اول را می زنند یک فرهنگ مصرف کننده و در آن زندگی همچون مجله پر زرق و برقی است و تبلیغات رنگی هر صفحه آن را پر ساخته است. ما پی در پی در معرض بمبارانهای تصاویر شیفته کننده و فریبناک اشخاص معروف و یا چیزهای دیگر هستیم که سعی می کنند ما را شیفته خود ساخته ما را به پیروی از خود وا دارند. اکنون پیش از پیش شاگردان مسیح را می توان افرادی توصیف نمود که توجهشان در درجه اول معطوف به عیسی است، اشخاصی که در میان هزاران دلبستگی و هوس به عیسی چشم دوخته اند و چشمانشان همواره متوجه او است. یک شاگرد شخصی است که به سوی عیسی مسیح می نگرد و او را مقدم تر از هر چیز می داند.  
یحیی تعمیددهنده هم آخرین نبی عهد عتیق بود و هم اولین مبشر مسیحی. او به مانند هر مبشر خوب مسیحی، هر فرصت را خوب غنیمت شمرده توجه مردم را بسوی مسیح جلب می کرد. یحیی به عیسی می نگرد و شهادت می دهد که او نجات دهنده جهان است. (آیات ۳۵-۳۶) اکنون دو شاگردان خود یحیی، اندریاس و دیگری که از او نامی برده نشده اما احتمالاً یوحنا، نویسنده انجیل یوحنا، است به او پاسخ میدهند. این دو شخص بسیار سریع و زود هنگام به سوی عیسی جذب شده و او را پیروی می کنند. این الگویی است که مطابق با آن موعظه انجیل مؤثر واقع می شود؛ مسیح معرفی شده و چشمان مردم باز می شود و همه به سوی او می آیند.

اما شاگردان واقعی کاری فراتر از شناخت عیسی به عنوان یک شخص مهم انجام می دهند. آنها همچنین درک می کنند که او واقعاً چه کسی است. به تمام عبارات توصیفی ای که در این عبارت یوحنا باب یک آمده توجه کنید: او بره خدا است (آیه ۳۶)؛ او مسیحا یا مسیح است (آیه ۴۱)، کسی که در عهد عتیق

درباره او وعده داده شده است ( آیه ۴۵ )، او همچنین فرزند خدا و پادشاه اسرائیل است ( آیه ۴۹ ) . در اینجا تنها در چند عبارت باب آغازین انجیل یوحنا ، پیش از اینکه حتی عیسی خدمت خود در میان مردم را آغاز کند، به طرز چشمگیری شاهد توصیفات کاملی از شخص مسیح و وظیفه او هستیم . یک مسیح شناسی کامل ، یا آموزه مربوط به مسیح ، را می توان تنها از این عناوین تدوین نمود : بره خدا ، مسیحا ، فرزند خدا ، پادشاه اسرائیل . با اینکه آن شاگردان اولیه بی گمان معنای کامل و ظهور حقیقت موجود در گفته های خود را نمی دانستند اما این اعترافات بسیار مؤثر هستند .

یوحنا و اندریاس و دیگران چگونه به این زودی تا این حد در مورد مسیح شناخت حاصل نمودند ؟ تنها پاسخ باید این باشد که این دانش و شناخت به آنها از بالا عطا شده بود . خدا خود آنرا توسط روح القدس بر آنها مکشوف ساخته بود . واقعاً شگفت آور است <sup>که</sup> بگدانیم عیسی پیش از اینکه شاگردانش او را بشناسند ، خود آنها را می شناخت . ( آیات ۴۲ و ۴۷-۴۸ ) . ما بر این باور هستیم که مسیح را خودمان باید بشناسیم ، و آنرا بر روی بررسی دقیق و کنکاشی جدی حقیقت را کشف می کنیم . اما حقیقت خود وجود دارد ، ابتدا حقیقت است که ما را پیدا می کند ، او ما را می شناسد ، او ما را بر <sup>استماع</sup> پیش از اینکه ما او را انتخاب کنیم . آگوستین قدیس چنین نوشته است که ما همه همانند نتانیل هستیم ، شاگردی که عیسی وی را در حالیکه زیر درختی در فلسطین نشسته بود دید : « او به خاطر لطفی که نسبت به شما داشت پیش از اینکه شما او را بشناسید شما را دید ، هنگامی که شما زیر بوغ گناه بودید . آیا ما ابتدا مسیح را ملاقات کردیم ، و او ما را ندید ؟ آیا ما بیماری بودیم که نزد طبیب رفتیم ، و نه طبیعی که نزد بیمار آمد ؟ »

### یک شاگرد از مسیح پیروی می کند .

اندریاس و دوستش گام سرنوشت ساز بعدی را در زندگی شاگردی خود برمی دارند، یعنی پیروی عیسی می کنند ( آیه ۳۷ ) . این امر ابتدا به نظر همانند جمله ساده ایست که به بیان حقیقتی می پردازد ، و به یک معنا چنین نیز هست . چرا که این گام حیاتی ( به معنای واقعی کلمه ) برابری داشتن است زیرا حقیقت وجود دارد ، اشخاص بسیاری در مورد عیسی می شنوند ، او را می بینند و حتی حقایقی را در مورد او کشف می کنند . اما افراد کمی هستند که واقعاً از او پیروی می کنند . کتاب مقدس می گوید که حتی هیوها <sup>که وایید مطالعه کنید</sup> به خدا ایمان دارند. و آنرا اعتراف می کنند. اما این کار تأثیری بر روش زندگیشان ندارد ( یعقوب ۲ : ۱۹ ) . آن چیزی که شاگردان را جدا می سازد ، و در حقیقت آنها را متمایز می سازد ، این است که آنها بر طبق حقیقتی که درباره عیسی وجود دارد عمل می کنند . آنها زندگیشان را تغییر می دهند ، آنها از همه چیز دست کشیده و همه را به عیسی می سپارند . شاگردان افرادی هستند که تصمیم گرفته اند مسیح را پیروی کنند و « به عقب باز نگردند » .



آنچه برای بشارت نیاز دارید این است که خود با خداوند ملاقات داشته باشید. شاگردان عادی می توانند این کار را انجام دهند. در حقیقت، شاگردان عادی "باید" آن را انجام دهند. بیشتر ماها بر خلاف اندریاس و فیلیپ عمل می کنیم - ما همه اعتراف کرده ایم که به عیسی نیاز داریم، و تمام حقایقی که در مورد مسیح می دانیم صحیح هستند، اما هرگز شخص دیگری را برای ملاقات با مسیح نزد او نمی آوریم و نمی گوئیم "بیا و ببین".

پس اینها مشخصات شاگرد واقعی هستند. آنچه که یک شاگرد را متمایز می سازد این است که مسیح را بشناسد (شناخت حقیقی درباره اینکه مسیح کیست و پی بردن به اهمیت و ارزشش فوق العاده او) سپس پیروی عیسی (بازگشت از یک زندگی خود محور به سوی یک زندگی سرشار از اطاعت و مشارکت با خداوند)، و سرانجام شهادت درباره عیسی (آشنا ساختن دیگران با مسیح توسط دعوت آنان به ملاقات با عیسی و تجربه یک زندگی تازه).

شما چگونه این صفات را از خود نشان می دهید؟ آیا زندگی شما نشان دهنده خصوصیات یک شاگرد هست؟